

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیه ۲۲۰ سوالی بود درباره یتامی که خداوند جواب داد اصلاح برای آنها بهتر است. اصلاح در مقابل افساد است؛ یعنی شأن آنها را اصلاح کنید، فساد و تباهی در مالشان ایجاد نکنید. عمده بحث مال است. البته جان آنها محترم است، البته عرض آنها محترم است. ولی عمده بحثی که درگیری ذهنی ایجاد می کند برای جامعه که چه کنیم و چه نکنیم در ارتباط با یتامی، گویا بحث مال است هرچند ما نمی خواهیم بگوییم اصلاح فقط مالی است، کلا در امر یتامی به دنبال مصلحت آنها باشید. حالا اگر مخالطه با آنها کردید یعنی یک رابطه فامیلی با آنها برقرار کردید مثلاً با مادرشان ازدواج کردید، با خواهرشان ازدواج کردید یک نسبت فامیلی بین شما و آنها درست شد، «فَإِخْوَانُكُمْ» در آن صورت آنها برادران شما هستند. «فَإِخْوَانُكُمْ» یعنی اگر نسبت فامیلی شد، یک مقدار در این اصلاح، برادر بودن هم لحاظ می شود. آیا در مدینه مشرکانی هستند؟ بله، اولاً شهر مدینه قبل از هجرت مسلمین، در داخلش مشرک داشته است و با هجرت مسلمین همه مسلمان نشدند. یک عده مسلمان شدند و یک عده مشرک در بین آنها هستند و همچنین کسانی که از مکه به مدینه رفتند همگی مومن نبودند.

بحث اهل کتاب در فرهنگ نکاح کاملاً مجزا است. مشرک اصطلاحی با مشرک واقعی فرق میکند. مشرک واقعی؛ شاید در بین خود مسلمانها یک عده مشرک باشند. ظاهراً مسلمان است ولی واقعاً مشرک است. در اهل کتاب هم یک عده مشرک هستند ولو ظاهراً مشرک نباشند. در آیه مشرکین مصطلح یعنی نه اهل کتاب و نه مسلمان مورد نظر است. غیر اهل کتاب و غیر مسلمان؛ ستاره پرست و خورشید پرست و بت پرست... می شوند مشرکین.

پس با زنان مشرک نکاح نکنید تا وقتی که ایمان بیاورند. اگر ایمان آوردند نکاح جایز می شود و بدانید «أُمَّةٌ مُّؤْمِنَةٌ» یعنی کنیز مومن بهتر است از آدم مشرک ولو کنیز نباشد. کنیز مومن از یک زن مشرک ولو کنیز هم نباشد بهتر است. «وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ» حالا هرقدر هم کمالات داشته باشد، هرقدر زیبایی داشته باشد مهم نیست و برعکسش، چون مشرکان «يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» به آتش می خوانند، «وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ» خدا به جنت و مغفرت دعوت می کند، «وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ».

هیچ مجوزی اسلام نداده است به کسی که بتواند برود کسی را به عنوان برده خودش یا به عنوان کنیز خودش، در اختیار بگیرد و بعد بیاید آن را بفروشد، دیگری آن را بخرد، یک خرید و فروشی راه بیفتد. این نوع را که اصلاً اسلام اجازه نداده است، این با اهداف اسلام که «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵) است، زندگی عادلانه، برخورداری از حقوق انسانی، برای همه انسان ها، و حق برخورداری از دنیا برای همه، پس اینکه در اسلام قطعاً حرام است، وقتی اسلام ظهور کرد، اینجور برده داری بود، یعنی زوردارها می رفتند بی پناهها را به بردگی می گرفتند، یک تجارتي بود برای خودش. اسلام که آمد این تجارت را دفعتاً ابطال نکرد، چون اگر می خواست به شکل دفعی این کار را بکند، مثل این می ماند که یک شوک اساسی و غیر قابل مدیریتی به اقتصاد آن روز آن مردم می خواست بدهد. اسلام این را تدریجی بر طرف کرد، چطوری، یعنی دیگر اجازه برده گرفتن که نداد، راجع به برده هایی هم که بودند، کنیزهایی هم که بودند،

آمد مشوق‌هایی گذاشت، تحت عنوان اینکه کفار، آزادی اینهاست، مثلاً آزادشان کنید، چقدر ثواب دارد، در یک مسیری اینها را به آزادی رساند، یعنی با یک تدبیر و درایت بسیار حکیمانه‌ای، بدون اینکه یک شوک غیر قابل جبرانی به اقتصاد آن روز جامعه وارد بکند، این را اسلام حل کرد، این جور برده‌داری را اسلام جمع کرد. پس تجویز نکرد، بلکه آن را حل کرد و از بین برد و جمعش کرد. اما یک بحث دیگر داریم، شما متجاوز نیستی، شما سر جنگ با او نداری، او با شما سر جنگ دارد، به اینها می‌گوییم کفار حربی، کفار حربی یعنی کفاری که با شما سر جنگ دارد، حالا این جنگ کشتن دارد، کشته شدن هم دارد، اسیر گرفتن دارد، اسیر شدن هم دارد، خب اینکه کفار، با اسرای ما چه می‌کنند، این کفار حکم‌شان با خودشان. اما ما با اسرای جنگ حربی چکار کنیم؟ در جنگ حربی، یعنی کسانی با ما جنگ داشتند، ما هم با آنها وارد جنگ شدیم، یک عده را از آنها اسیر گرفتیم، چکارشان کنیم؟ در نظام‌های امروز دنیا، خب در بیرحمانه‌ترین حالت اینها را می‌کشند، آقا اسیر است که اسیر است، بکشش برود، ما نان اضافی داریم به اسیر بدهیم، می‌کشند. بعضی‌های دیگر هم بیگاری می‌گیرند، یعنی اینها را در سخت‌ترین شرایط کاری، با کمترین امکاناتی، کمترین خدماتی، عملاً در اردوگاه‌هایی که اینها در اسارت هستند، کار می‌کنند تا بمیرند، در جنگ جهانی دوم هم اتفاق افتاد.

چکار باید کرد؟ اسلام متری ترین قانون و متعالی ترین قانون را برای اسرای جنگی مطرح کرده است، می‌گوید در جنگ با کفار حربی، اگر اسیر گرفتید از دو حال خارج نیست، اسلام را به آنها عرضه کنید، اسلام آوردند، آوردند، نیآوردند که خون‌شان مباح است، به خاطر اینکه با شما وارد جنگ شدند، حالا اسلام آوردند، همین جوری یک اسلام آوردند. نمی‌شود اینها را رهایشان کرد، ببریم اینها را در زندان دپو کنیم، نه این کار عاقلانه نیست، اینها را بکشیم؟ مسلمان را چطور بکشیم، مسلمان شده است، نمی‌توانیم بکشیم، خب اینها را بیگاری بکشیم تا بمیرند؟ ظلم است، چطور می‌شود به آدم‌ها ظلم کرد، حالا طرف ایمان آورده؛ اسلام با تعریف حقوقی می‌گوید ببین اینها بشوند نیروی کار در جامعه، حقوق‌شان حفظ شود، حقوق انسانی‌شان، حقوق مالی‌شان، احترام‌شان، زدنش گناه است، بیگاری کشیدن از او گناه است، دشنام دادن به او گناه است، رعایت نکردن حقوق انسانی او گناه است، بیمار شد، کار از او بکشی، گناه است، حقوقی را برای اینها تعریف می‌کند و اینها را به عنوان نیروی کار در متن جامعه به خدمت می‌گیرد، می‌گوید بیایید زندگی کنید، کار کنید، تا چه وقت، از این طرف هم اسلام می‌گوید، اگر شما آقا مولا، آقای صاحب اسیر، اگر در او یک صلاحی می‌بینی، آزادش کن، اینقدر ثواب دارد، با یک شرایطی البته دیگر، یا کفاره فلان گناه آزادش کنید، با آزادی اینها اینجور به ثواب برسید، خواستند ازدواج کنند، کمک‌شان کنید، از مال خودتان به آنها بدهید، یعنی این دیگر، من نمی‌دانم، در کجای دنیا، در کدام مکتب، در کدام قانون، در کدام فرهنگ، در کدام دین، متری تر، انسانی تر، زیباتر، کامل تر از این با اسیر جنگ حربی برخورد می‌شود، جالب تر، بهتر از این دیگر، چکار کند، اسلام رفتارهای وحشیانه را جمع کرد و مدیریت کرد، حالا درست است امروز چون با کفار حربی جنگ رو در رو نداریم، بحث اسیر و اینها مطرح نیست فعلاً، لذا در نتیجه بحث کنیز و برده هم در حال حاضر مطرح نیست، اگر جنگ با کفار حربی شکل گرفت، حکم اسرایش در اسلام مشخص است.

اتفاقی که در جامعه ما درباره ایتام می‌افتد، آن که قرآن می‌خواهد نیست، این مقدماتش را بدانید، حالا آنکه قرآن می‌خواهد چیست؟ جزئیاتش چیست، باید بحث شود، گفتگو شود، خیلی جاها هم بحث و گفتگو شده است ولی آن اتفاقی که الان در حال جریان است، این متأسفانه آن نیست، یک فرهنگی را حاکم کردیم که دیگر ازدواج مادر ایتام

با مثلاً یک آقای دیگری، یا ازدواج یک آقایی با یک خانمی که بیوه شده، این جمع شده است دیگر کلاً. یا اگر هم جمع نشده، یک جرم است، یک خطاست، از طرف خانم بی وفایی، از طرف آقا هوس‌بازی، اینها را باید دقت کرد. اینها مسائلی است که اگر جامعه اسلامی، صلاح و نجات خودش را بخواهد، باید به اینها حداقل فکر کند، باید راجع به اینها گفتگو کند، باب گفتگو را نباید در این باره ببندد، قرار باشد باب گفتگو، صحبت، تامل، تفکر، بررسی، مشخص شدن قوانین، احکام، در این باره بسته بشود، خب خود جامعه است که لطمه می‌خورد.

«وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى» از تو سوال می‌کنند درباره محیض، یعنی دوران حیض، بگو «هُوَ أَذَى» بگو این یک اذیتی است، اذیت یعنی باید مراعات حال‌شان در این دوران بشود، «هُوَ أَذَى» چطور مراعات حال‌شان بشود، «فَاعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ» از زنان در دوران حیض، که دوران عادت ماهیانه زنان هست دیگر، دیگر همه می‌دانند، بیشتر باز نمی‌کنم، از زنان اعتزال کنید یعنی رابطه زناشویی با آنها نداشته باشید، در این دوران، «وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ» به لحاظ جنسی، به آنها نزدیک نشوید «حَتَّى يَطْهَرْنَ» تا وقتی که از دوران حیض به طهارت برسند، «فَإِذَا تَطَهَّرْنَ» پس وقتی که طهارت یافتند، پاک شدند «فَأَتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ» آن وقت همان خدایی که امر کرده بود نزدیک نشوید، الان امر کرده است که می‌توانید نزدیک بشوید، «فَأَتُوهُنَّ» یعنی اینکه رابطه زناشویی را با آنها داشته باشید، «مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ» از همان جهتی که خدا فرمان تان داد، که البته می‌دانید به این در اصول می‌گویند، امر بعد از حذر یعنی امر بعد از نهی، هدف حمایت از زن است، نه اینکه یک اذیت هم روی اذیت او اضافه کنیم، او اذیت است، از او حمایت کن، نه اینکه او اذیت است، الان برو زندانی اش کن، یا از آن کناره گیری کن، خب این افراط. یک تفریطی هم بود در نصارا، تفریط نصارا این بود که آقا اصلاً می‌گفتند دوران محیض با غیر محیض فرقی ندارد، هیچ مراعات حال زنان را در دوران حیض نمی‌کردند، این هم تفریط نصارا بود، از هر دو روش باید توبه کرد، به هر حال از روش افراطی و تفریطی درباره زنان در دوران حیض باید توبه کرد، لذا «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ» توبه اش چیست؟ توبه اش هم این است که در دوران حیض رابطه زناشویی ممنوع، تمام شد به پاکی رسید آزاد. «وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ».

قرآن کریم می‌فرماید: ما انسان را در «قَرَارٍ مَكِينٍ» (مومنون/۱۳)، قرارش می‌دهیم، در یک جایگاه با منزلت، مکین یعنی دارای منزلت، دارای مکانت، چرا اسلام می‌فرماید صلۀ ارحام؟ چون خیلی رحم مقدس است؛ حالا حکمت الهی به نحو احسن تعلق گرفته به این که این قرار مکین برای اینکه آن آمادگی خود را برای پرورش انسان، برای شکل‌گیری و شکل‌دهی به وجود انسان حفظ بکند، این نوسازی شود؛ دوران حیض دوران نوسازی قرار مکین است، دوران نوسازی است؛ مثل اینکه شما در یک اتاق عمل که این اتاق خیلی عمل مهمی در آن می‌خواهد انجام شود، حتماً می‌دانید، کسانی که اهل علم هستید می‌دانید، هر قدر کاری که می‌خواهد انجام شود ضریب حساسیت آن بالاتر است، به همان اندازه لزوم نوسازی دستگاه‌ها و تجهیزات مربوط به آن کار بیشتر است، الان هم ببینید این حفظ احترام و حفظ قداست خانم‌ها است که می‌گوید در این دوران نزدیک‌شان نشوید از این نظر، اجازه دهید این نوسازی دستگاه، نوسازی قرار مکین به نحو احسن شکل بگیرد، مزاحمت ایجاد نکنید! این حریم قائل شدن برای خانم‌ها است، این فرصت دادن به آنها است، حالا این هم زمان، با یک سلسله تحولات روحی در آنها اتفاق می‌افتد، چون این قرار مکین فقط فیزیکی که نیست! این قرار مکین روحی هم هست، یعنی خانم‌ها از نظر روانی هم ری‌استارت می‌شوند ماهی یک دفعه، خانم‌هایی که قرار است بتوانند صاحب فرزند شوند، این‌ها بازیابی می‌شوند ماهی یک دفعه؛ خب این خاموش

روشن یک سری احکام هم دارد، اینطوری باید نگاه کنید به این پدیده، پدیده ناراحت کننده، غصه‌آور، اینطوری نیست! آن تحولات روحی را هم باید یک قسمتی همین پروسه و یک قسمتی از همین فرایند بدانند خانم‌ها، طبیعی است چند روز مانده به این دوران یک حس دلگیری به آنها دست می‌دهد، در این دوران یک احساس اذیتی شاید با آنها همراه باشد، اما خودشان می‌دانند وقتی از این دوران خارج می‌شوند روحیه بازیابی می‌شود، جسم بازیابی می‌شود.

مأموریت فوق سنگین بستر بودن برای آفرینش، مسئول و واسطه واقع شدن برای آفرینش، این مأموریت فوق حساس و مهم، که خداوند در خلق تجلی می‌کند، خداوند با آفرینش تجلی می‌کند، خدا این را به خانم‌ها سپرده، آقایان را هم حافظان و حارسان امنیت آنها قرار داده است، لذا قدر بدانند این مسئله را خانم‌ها، و برای خودشان در این جریان یک احساس منفی نگذارند شکل بگیرد، بعضی تعبیر هم که حالا مثلاً بجای کلمه حیض در جامعه ما استفاده می‌شود بعضی تعبیر هم بار منفی دارند، باید مراقبت کنند، مثلاً آن را مساوی می‌کنند با مریضی می‌دانند! این مریضی نیست! در حال ریکاوری است، در حال بازیابی است، در حال نوسازی است، باید مراقب باشید اذیت نشود، تعبیر قرآن ببینید چقدر ظریف، حکیمانه، خلاصه این چیزها را هم جا دارد که با دقت و توجه به آن نگاه شود.

**«نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ»** زنان شما (این تعبیر لطیف قرآن را ببینید) کشتزار هستند، مثل زمین زراعی برای شما، بستر مهیایی که خداوند در این بستر، انسان خلق کند، محصول این زمین زراعی آدم است، الله اکبر! آدم! انسان! «سَمِيعًا»، «بَصِيرًا»، «مستوی القامة» می‌بیند، می‌شنود، بابا یک زمین زراعی که گندم از آن در می‌آید مقدس است، یک زمین زراعی که جو از آن در می‌آید محترم است، این زمین زراعی آدم از آن متولد می‌شود، انسان از آن به وجود می‌آید، یک وقت‌هایی انسان در این معنا که دقت و تأمل می‌کند چهار ستون بدنش می‌لرزد، انسان خلق شدن مگر چیز شوخی برداری است؟ نفخ روحی که خداوند انجام می‌دهد در این جایگاه مقدس انجام می‌دهد، نفخ روح می‌کند خدا **«نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»** (حجر/۲۹) از روح خویش، از روح منتسب به خویش در آن می‌دمد، و بعد می‌فرماید **«فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»** (مومنون/۱۴) به خود یک بارک الله می‌گوید که گوش فلک کر شود.

**«فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ»؛ «وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ»؛ «وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ»** یک معنی آن این است: یعنی آنچه را از این کشتزار می‌روید یعنی انسان‌هایی را که متولد می‌شوند، شما این انسان‌ها را **«قَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ»** اینها را ذخیره خودتان قرار دهید، **«قَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ»** این را پیش بفرستید برای خودتان؛ حالا یک وقت ممکن است خدا کسی را عقیم قرار داده است بنا به حکمت خودش، که در قرآن کریم خدا فرموده است که هر کسی را که من خواستم عقیم قرار دادم! یکی از مصادیق انفاق این است که زن و شوهر نیازهای غریزی هم را برطرف می‌کنند، یکی از مصادیق انفاق فی سبیل الله است، من نمی‌گویم علی علیه السلام می‌فرماید، این مصداق انفاق است.

احکام الهی را رعایت کنید این **«وَاتَّقُوا اللَّهَ»** خیلی حرف‌ها در آن است؛ یعنی دیگر آقا **«نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ»** نساء دیگران که **«حَرْثٌ لَّكُمْ»** نیستند! زنا حرام است، **«نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ»** چرا **«حَرْثٌ»** خود را رها کردی؟ ترک کردن زن بیش از مدت چهار ماه جایز نیست، که تو رابطه‌ای با او نداشته باشی، و خیلی بی‌تقوایی‌های دیگر؛ دوران حیض حرام است، او را اذیت نکنی! **«وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ»** و بدانید که شما ملاقات کنندگان خدا هستید!

**«وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»** و به مومنانی که تقوای الهی را رعایت می‌کنند در این مورد بشارت بده!